

مقدمه

سرزمین ایران در دوران قاجار به دلیل بی‌کفایتی پادشاهان وقت در مرزهای شمال غربی، شمال شرقی تجزیه گردید؛ در نتیجه قسمت زیادی از خاک این سرزمین جدا شد. اگر در قراردادهای ترکمانچای و گلستان نبرد مستقیم دولت روسیه با قاجارها بود، در منطقه شمال شرق روسها با سیاست عمل کرده و با چشم پوشی و گاهی حمایت از حملات خانان و قبایل آسیای میانه به ایران بویژه خراسان، زمینه پذیرش قرارداد آخال را فراهم نمودند. نگارنده، در این مقال سعی می‌نماید پس از بیان مختصری از جغرافیای تاریخی خانان و قبایل آسیای مرکزی، به بررسی اوضاع همجوار پرداخته و نبردهایی که بین نیروهای ایرانی باخان نشین خیوه و ترکمنها در سالهای متمادی صورت گرفته، براساس منابع و مآخذ بررسی کرده و علت‌های شکست ارتش قاجار را ریشه یابی نموده و از همه مهم تر به علت‌های این حملات به ایران، می‌پردازد.

در جزئیات هم، نبرد سرنوشت ساز مرو را توصیف کرده و چگونگی شکست سنگین ارتش قاجار را روشن نموده و به بیان این نکته پرداخته که این شکست، چه نتایج ویرانگری به دنبال آورد و در پی آن، سرنوشت دهها هزار اسیر ایرانی اعم از نظامی و غیرنظامی در آسیای میانه چگونه رقم خورد و ناامنیهای شمال شرقی ایران تا چه دورانی ادامه یافت.

خانان آسیای میانه (مختصری از جغرافیای تاریخی) (خیوه)

خیوه، در سال ۱۶۱۸ ق. ۱۲۲۷ م. به دست مغولها تصرف شد. بتدریج اقوام از یک بر این خان نشین مسلط شدند. در سال ۱۲۹۰ ق. ۱۸۷۳ م. خیوه به تصرف نیروهای روسی درآمد و خان نشین خیوه، تحت الحمایه امپراتوری روسیه شد و رفته رفته نفوذ فرهنگی خود را در این منطقه گسترش داد.

بخارا

از شهرهای بسیار قدیمی منطقه ترکستان بود. خان نشین بخارا، در سال ۱۸۶۳ م. سرحدی تا خانان خوقند و کوههای بدخشان داشته، از طرف جنوب به رود جیحون و از سمت شمال به صحرای کبیر می‌رسید. اقوام از یک بر بخارا چون خیوه مسلط بودند. امیر و هسته مرکزی حاکمیت از آنان بود و تاجیکها، قرقیزها، ترکمنها، مروزیها، ایرانیها، هندوها و یهودیها، سایر اقوام مقیم بخارا را تشکیل می‌دادند که به امور بازرگانی و دیوانی می‌پرداختند. ایرانیهای بخارا، در صنعت و تجارت، موفقیت زیادی به دست آورده بودند.

(خوقند خقند) ۳

این شهر - که در نزدیکی فرغانه قرار داشت - در نیمه دوم قرن نوزدهم گرایشهایی به طرف خان خیوه پیدا کرد و حکام دو منطقه، علیه نیروهای روسی اقداماتی تدافعی انجام دادند و شکستهایی به آنها وارد ساختند؛ اما سرانجام دولت تزار موفق شد "آق مسجد" را از قلعه‌های مهم ساحل رود سیر دریا و سپس تاشکند را از شهرهای تابع خوقند در ۱۸۶۵ م. تصرف کند و از آن پس زمینه تحت الحمایه شدن خوقند به دست روسها فراهم شد.

سایر قبائل (ترکمنها)

ترکمنها در دوره مورد بحث شامل گولانها، ۵ یموت، ۶ تکه، ۷ ساریق، ۸ سالور، ۹ و آساری ۱۰ می‌شدند و جدا از آنها، گروه دیگری تحت عنوان قبایل مقدس بودند که در شجره ترکمنها جای نداشتند. آنان، روحانیون مورد احترام و مقبول عامه مردم بودند و خود را از نسل خلفای راشدین می‌دانستند. ۱۱



برخوردهای نظامی دولت قاجار و خانان آسیای مرکزی

سید علی کریمی

ملکونوف (Malkonov)، سیاح روسی - که در سال ۱۸۶۰م. ۱۲۷۷ق. به بررسی وضع ترکمنهای نواحی ایران و آسیای مرکزی پرداخته - محللهای اسکان آنها را از سواحل دریای خزر در جنوب تنگه قزل سو و یورتگاه "اویماقها" تا سرحد استرآباد (گذرگاه عموداریه) می داند و جمعیت آنها را در حدود ۲۷۳۳۰ ذکر می نماید. ۱۲

روابط دولت قاجار با خانات آسیای میانه

روابط دولت قاجار با خانات، تقریباً از دوران نادرشاه به بعد بسیار کم شده بود؛ ولی در دوران آقا محمدخان و فتحعلی شاه سپاهیان از اقوام صحراگرد این منطقه در خدمت آنها بودند و قسمتی از نیروهای نظامی دولت ایران را تشکیل می دادند؛ ولی به هر حال ادعای قاجارها بر مناطق شرق بویژه شهر مرو - که معمولاً حاکم آن را خراسانیها انتخاب می کردند، همچنان پابرجا بود. سالهای اول سلطنت ناصرالدین شاه، سفیر خوارزمشاه (محمد شریف بای) به تهران آمد و از طرف امیر کبیر هم رضاقلی خان هدایت به عنوان سفیر و در حقیقت جهت ارزیابی قدرتهای منطقه، به خیره اعزام شد. سفیر خان را، سید احمد نقیب بخارائی از بزرگان بخارا با کاروانی همراهی می کرده اند و در این هنگام فرستاده دوم خان خیره یعنی "آتانایز محرم" در مسیر حرکت به طرف تهران، به آنان برخورد کرده بود. پس از ورود رضاقلی خان هدایت به خیره، او هنگام ملاقات با خان خیره (محمد امین خان ازبک)، تا آنجا که ممکن بوده، سعی کرده بود قدرت فراوان ناصرالدین شاه را به نظر او بیاورد. در جلسه ای این جوان بیست و دو ساله را اعلم ترین پادشاه زمانه نسبت به سران فرانسه، انگلیس و عثمانی دانسته و به او تذکر می دهد، چون روسها و اروپا در کمین خوارزم هستند، بهتر است اهالی این مناطق به پادشاه ایران رو کنند. ۱۳

هدایت پس از این نمایش سیاسی، در گزارش خود نقاط ضعف خانات شمال شرق را ذکر نموده و از آن جمله مطرح می کند که خانهای خیره و بخارا با هم اختلاف دارند. از این رو فرستاده خان بخارا، توسط خیره ایها غارت و اسیر گردیده بود. ۱۴

علتهای اختلاف دولت قاجار و خانات آسیای میانه

اختلافات مذهبی (سنی حنفی و شیعه اثنا عشری)

ملا شمس الدین، در اوایل قرن شانزدهم در آسیای مرکزی بر کافر بودن شیعیان فتوا داده بود ۱۵ که در زمان خود نوعی موضعگیری مذهبی در برابر دولت صفوی بود. این اختلافات به دوران قاجار انتقال یافت؛ زیرا وقتی رضاقلی خان هدایت به خیره رفت، در مجلسی با حضور خان و رهبر مذهبی خیره، با سؤالاتی در زمینه های تفکر غالبی شیعه روبرو شد. ۱۶ از طرف دیگر در نظر دولت قاجاری، اهالی خیره و سایر مناطق آسیای مرکزی از دایره اسلام خارج بودند. همان طور که خورموجی در قسمتی از کتاب حقایق الاخبار پس از رسیدن سر محمد امین خان خوارزمی به تهران نوشته است:

"با آنکه خان مزبور از زمره خوارج از دایره اسلام بود، سر او را در معبر اوتاق پایمال تعالش نفرمود. ۱۷"

ترکمنها و ایجاد ناامنی در ایالتهای مرزی ایران

چون خطر حمله تراکمه از دوران صفوی مطرح بود، در زمان شاه عباس اول، خندقی برای جلوگیری از حملات آنها در "آشرف" از کوه تادشت حفر

شد که هدایت آن را دیده بود، ۱۸ و همچنین ملکونوف در سفر خود به شمال ایران، از اثری که در دورانهای گذشته برای جلوگیری از حمله های ترکمنها باقی مانده بود، دیدن کرد. این اثر، دیواری از سنگ بود که از دامنه کوه تالبه دریا در نزدیکی قریه گلوگاه ساخته شده بود تا در هنگام حمله ترکمنها، مردم به آن پناه ببرند. ۱۹

با افزایش خطر مهاجمان آسیای مرکزی در دوره قاجار، حتی مردم استرآباد هم استحکامات خود را تعمیر کردند. مهاجمان ترکمنی - که هدایت را مورد حمله قرار داده بودند - اکثرآ از قبایل بيموتها و گولانها بودند و برخی دیگر چون ترکمنهای آنرک و قرقیچی "به شاه قاجار وفادار مانده و به کمک آنهاست که هدایت به سلامت به استرآباد رسیده بود. ۲۰"

ملکونوف، سیاح روس، به گسترش سایه ترس و وحشت در منطقه استرآباد اشاره داشته و ذکر کرده است که: مردم این ناحیه از ترس با تفنگهای آماده حرکت می کنند و با تمام اینها توسط ترکمنها اسیر شده و به بردگی فروخته می شوند و چون به علت فقر از دادن وجه مورد نظر ترکمنها خودداری می کنند، بالاچار در بین آنها به صورت فلاکت باری باقی می ماند. ۲۱

همچنین در ۱۲۹۲ق. ۱۸۷۵م. ترکمانان مرو و طرزن، خراسان را تا استرآباد مورد تاخت و تاز قرار داده و انسان و حیوان را به غارت بردند. ۲۲ حتی دو دهه بعد از قرارداد آخال ۱۸۸۱م. ۱۲۹۹ق. نابسامانی و آشفتگی در منطقه وجود داشت. هنری موزر (Henry Moser) به حملات ترکمنهای بيموت به جویانهای شاهرود اشاره داشته که چند صد هزار از دامهای آنها را غارت کردند و سهام الدوله، حاکم بجنورد با کمک گولانها آنها را سرکوب کرده بودند. ۲۳ در زمان سفر سریرسی سایکس (General Sir Percy Molesworth Sykes) (۱۹۱۵-۱۹۰۵)، ترکمنها به رهبری فردی به نام ملاحق نفس در منطقه آق چانم یورت گولانها به کاروان او حمله کرده بودند. سایکس در ادامه افزوده است:

"آیرانها پس از تصرف گوگ تپه توسط روسها ۱۲۹۷ق. اظهار شادی کردند. روسها از طریق مشهد آذوقه مورد نیاز خود را تأمین کرده اند و در عوض با فشار آنها، ترکمنها از حمله به ایران خودداری و اسرای آنها را آزاد کنند. ۲۴ از این رو پس از انعقاد قرارداد آخال ۱۲۹۹ق.، ناصرالدین شاه به خدمتگزاران روس نشانهای همایونی اهدا کرد. ۲۵"

حمایتهای معنوی عثمانی از خانات

باتوجه به اینکه مذهب مردم این منطقه سنی حنفی بود، گرایشهای آنها به دولت عثمانی از دوران صفوی وجود داشت. در زمان سفر وامبری (Vambery Aminius)، سلطان قسطنطنیه را رئیس مذهب و خلیفه می دانستند. شاهزاده ها در هنگام به سلطنت رسیدن، خود را موظف می دیدند که سفیری فوق العاده به استانبول بفرستند و از این طریق کسب افتخار کنند. از طرف خلیفه عثمانی نیز القابی چون ساقی کبیر (خان خیره)، رئیس و نگهبان مذهب (امیر بخارا) و (حسابدار) به خان خوقند اعطا و همچنین هدایایی برای آنها فرستاده می شد. در مقابل، فرمان مذهبی صاحب اختیار کلی یعنی خلیفه عثمانی در این مناطق بخصوص خیره و خوقند اطاعت می شد. ۲۶

حمایت روسها از خانات جهت گسترش قلمرو و دسترسی به

هندوستان

مطامع ارضی روسها، نه تنها از طریق جنوب بلکه متوجه شرق هم بود.



مازندران فرستاد و بعد به صفحات سرحدیه ترکستان روانه نمود. به این وضع، آنها به جهت ساکنین آرام خراسان اسباب دفاع هستند. این فقره بنا به صرفه احوال ممالک ایران است. در مقابل حملات تراکمه، کردها به ازای اسرای که از آنها به دست می آورند، از پادشاه ایران (برای اهراسیر ذکور پنج اسب و برای هر سر، یکصد قران جایزه می گیرند).

از این رو، گاهی عده ای از قبایل بیگانه ترکمن هم به دست آنها قتل عام یا غارت می شد. موزر افزوده است:

پس از تسلط روسها بر منطقه آسیای مرکزی، اگر از اعتباری که داشتند، افتاده، آنها که قبلاً احکامی را که از تهران می رسید مسخره می کردند و مالیات نمی دادند؛ چرا که می گفتند: آن را صرف نگهداری سواران کرد می کنند. با قرارداد آخال، دولت قاجار بر این مناطق هم اقتدار یافته، ۳۴ در نتیجه مالیات خراسان را یک پنجم بیش تر نموده است. ۳۵

ظلم و ستم حکام و رسم گروگانکشی

حکام ایالت مرزی ایران هم همانند این قبایل کرد، از ظلم و ستم به مردم خودداری نمی کردند. آنها در زمانی که دارای قدرت بودند، به حملات خود به ترکمنها می پرداختند و اموال آنها را غارت و زنان و فرزندانشان را اسیر می کردند. ۳۶ رسم گروگانکشی - که قانون حکومتی در منطقه شده بود - موجب گردید که عده ای از بزرگان مرو در ۱۲۶۸ ق. پس از شکست محمدامین خوارزمی، فرار گذاشتند که هشتاد خانوار از آنان برای گروگان به مشهد اعزام شوند. ۳۷ همچنین پس از نبرد ۱۲۷۶ ق.، سالوارها تعهد نمودند که در ازای صلح، گروگان بدهند. ۳۸

همزمان با گرفتاریهایی که ایران در شمال شرق در برابر خانان خیوه و

هندوستان ثروتمند چیزی نبود که آنها بتوانند از آن دست بردارند. پس از عهدنامه های ترکمانچای و گلستان، خان نشینهای منطقه آسیای مرکزی، هدفهای بعدی بود. این پیشروی در زمان رضاقلی هدایت تاصحرای سقر بود که به نقل از او حد فاصل خوارزمیان و روسها بود. ۲۷

روسها برای رسیدن به اهداف خود، جاسوسانی چون دکتر پاشنو (Pashino Dr.)، علیخانوف و ملکوئوف، به آسیای مرکزی و شمال ایران جهت بررسی اوضاع این مناطق اعزام می کردند.

ملکوئوف در ۱۸۶۰ به دستور مؤسسه جغرافیایی روسیه به شمال ایران تا شرق دریای خزر فرستاده شد. او به بررسی دقیق ایالتهای شمالی (گیلان، مازندران، استرآباد) پرداخته و فواصل شهرها را از هم، متجمله مقدار زمانی که کشتی بخار از رشت تا استرآباد طی می کند، اشاره نمود. ۲۸ اوضاع اقتصادی نظامی را شرح داده و در ضمن، جمعیت این نواحی را ۲۷۹۶۰۰ تن تخمین زده است. ۲۹

دکتر پاشنو، مأمور وزارت خارجه روسیه در ایران ۱۸۶۱ م. / ۱۲۷۷ ق. - که به اغلب زبانهای شرقی مسلط بود - پس از اینکه انگلیسیها و عثمانیها در ۱۸۷۷ م. / ۱۲۹۴ ق. از روسیه شکست خوردند، همراه با کلنل استولیتوف (C. Stavlitov) و کلنل کرديکوف (C. Kordicov) برای تحریک امیر شیرعلی خان به افغانستان اعزام شدند و قبل از این مأموریت هم در سال ۱۸۶۶ م. / ۱۲۸۳ ق. به هنگام پیشروی روسها به تاشکند، به آسیای مرکزی فرستاده شده بودند. او مدتی به طور ناشناس به عنوان پزشک مخصوص خانهای منطقه، موقعیت مناسبی به دست آورد و بعدها به طور مخفیانه به هندوستان مسافرتهایی کرد. ۳۰

مقصود علی خان داغستانی (علیخانوف)، جاسوس دیگر روسها بود که چون با اهالی منطقه ترکستان آشنا بود و نواحی را خوب می شناخت، در سال ۱۸۸۲ م. / ۱۲۹۹ ق. به اتفاق تاجری ارمنی به مرو رفت نقشه راه و قلعه شهر را ترسیم کرد و مخدوم قلی خان را از افراد بانفوذ شهر، تشویق به رفتن به مسکو کرد. او هم پس از سفر و پذیرایی شاهانه ای که از وی شد، گرایش به روسیه پیدا کرد و ریش سفیدان را تشویق به همکاری با روسها نمود. از آن طرف، روسها - که تا ۱۸۸۱ م. حدود ۲۳۰ کیلومتر راه آهن در ماوراءالنهر کشیده بودند - به اعزام نیرو پرداختند و علیخانوف و مخدوم قلی خان هم از داخل شهر زمینه تسلیم آن را به روسها فراهم آوردند. ۳۱

مطامع روسها، به آخال و تصرف مرو ختم نشد بلکه با ایجاد تحریک و اغتشاش، سعی در دستیابی به شمال ایران هم داشتند؛ چنانچه مک کرگر (Colonel C.M. Mac.Cregor) به آنها خرده می گیرد که چرا در خان نشینهای دست نشاندۀ خیوه، بخارا و خوقند، برده داری را ممنوع نمی کنند تا حملات ترکمنها خاتمه یابد. ۳۲

اعزام نیروهای کرد به منطقه شمال شرق

شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۶۲۸/۹۹۶-۱۵۸۷) برای جلوگیری از حملات ازبکان و ترکمنها، قبایل جنگجوی کرد را از غرب به شمال شرق انتقال داد و پنج ولایت کردنشین از استرآباد تا چناران تشکیل داد که بهجنورد و قوچان و درگز جزو این مناطق بود. ۳۳ در زمان ناصرالدین شاه هم عده ای از اقوام کرد در شمال شرقی اسکان یافتند. موزر در این زمینه نوشته است:

"علیحضرت اقدس پادشاه ایران، آنها را به واسطه نزاع دائمی که درباب مذهب داشتند، از کردستان، وطن خودشان بیرون کرد و از سرحد عثمانی به

تنها دلیل حملات ترکمنها و نامنی در این منطقه، این است که بین هرات و مشهد سپاهی با هزار سوار است که زندگی را به بیهودگی می گذرانند و بی فایده گاهی ترکمنها را دنبال می کنند. چرا که نه نقشه و نه فرمانده نظامی درستی و نه آرایش نظامی دارند. هر کدام از سرکرده ها (ده، بیست، پنجاه، صد نفری) تحت امر رئیس خود عمل می کنند. گاهی به خاطر یک شایعه، پنجاه مایل اسب می تازند و گاهی که اقدام عملی لازم است، بیکار در خانه قلیان می کشند. او در ضمن افزوده است، در صورت غلبه بر ترکمنان تکه، کورکلاتها و آفالیها هم تسلیم می شوند. ۴۲

ارتش ایران از دیدگاه کلی (۱۳۰۰-۱۲۶۸)

اوضاع نظامی در دوران قاجار، سرو سامان نداشت. تلاشهای عباس میرزا برای تأسیس کارخانه های مهمات سازی و اسلحه سازی و سازماندهی ارتش بجز دوران اندک زمامداری امیرکبیر، ادامه نیافت. فون هنریش کارل بروگش (Von Heinrich Karl Brugsch)، سیاح آلمانی در ۱۸۶۰م. بسیار جالب این ارتش را توصیف کرده است:

وضع نظامیها و سربازها، از همه طبقات بدتر و تأسف آورتر است. سربازان ایرانی را معمولاً از خانواده های بی بضاعت و ضعیف شهر و دهات می گیرند. خانواده آنها، پولی ندارند که به عنوان رشوه بدهند و فرزندان خود را از خدمت سربازی - که واقعا تأثیر آور است - رهایی بخشند. این افراد، محکومند تمام عمر را چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، سرباز بمانند. آنها در حالی که لباسهای بد و پاره به تن دارند، لباس نواز دولت دریافت نمی کنند و گاهی اوقات کفش هم به پا ندارند و از همه مهم تر، اسلحه خوبی نیز در اختیارشان قرار نمی دهند. حقوق و دستمزدی نمی گیرند. البته پول و دستمزد سربازان از طرف شاه و از صندوق دولت داده می شود، ولی آن قدر این پول دست به دست می شود و در این میان تحلیل می رود که چیزی برای سربازان باقی نمی ماند. بنابراین سربازان ناچار می شوند به کارهای پست و خلاف شئون خود تن در دهند تا پولی برای سیر کردن شکمشان به دست آورند. بدبختی این است که برای کسب اجازه این کار، ناچارند این دستمزد خود را هم به افسرانشان بدهند. این است که در کوی و بازار، سربازان زیادی را می توان مشاهده کرد که در دکانهای نجاری، آهنگری و یا آشپزی مشغول کارند. مستشاران خارجی که در ارتش ایران خدمت می کنند، متفق القولند که سربازان ایرانی دارای کلیه مشخصات و خصوصیات یک سرباز خوب هستند. آنها بااراده، مطیع، آموزش پذیر و کنجکاو هستند و از نظر پایداری و مقاومت و تحمل شدائد، از سربازان همه کشورهای برتر می باشند. اما بدبختی بزرگ این است که این سربازان، تحت فرماندهی افسرانی قرار دارند که مشخصات و خصوصیات آنها کاملاً متفاوت از سربازان است. این مستشاران، معتقدند که تا موقعی که سربازان اجازه پیدا نکنند بر اثر کاردانی و لیاقت و آموزش دیدن به درجه افسری ارتقا پیدا کنند، وضع ارتش ایران اصلاح نخواهد شد. زیرا در حال حاضر، افسران کسانی هستند که درجات خود را با دادن پول و رشوه و هدایا به دست آورده اند، یا آنکه شاهدگانی هستند که در سنین کودکی درجه ژنرالی و سرتیپی گرفته اند و از این افراد چگونه می توان انتظار خدمت به مملکت و فرماندهی سربازان را داشت. ۴۱

در منطقه شمال شرق، اوضاع نظامی آشفته تر بود. کلنل مک کرگر ۱۸۷۵م.، افسر مستعمراتی انگلستان که پانزده سال بعد از بروگش به ایران آمده بود، از ضعف قوای نظامی و تأثیر آن بر افزایش ترس و وحشت در منطقه چنین یاد کرده است:

برخورد نظامی دولت قاجار با خان خیوه (۱۲۶۸) نبرد مرو

سال ۱۲۶۸، حرکتی سیاسی و نظامی دو طرف توأمان در حال صورت گرفتن بود. در حالی که رضاقلی هدایت از سوی تهران عازم خیوه بود و قبل از او فرستاده خان (محمد شریف بای) به ناصرالدین شاه اظهار ارادت می کرد، ترکمنها به حملات خود ادامه می دادند. در این ایام که بهادر خان دره جزی - که از جانب دولت ایران در مرو حکومت می کرد - در مقابل ترکمنها تن به شکست داد، مهاجمان جسارت بیش تری یافتند و نه تنها مرو بلکه تا حدود سبزوار پیشروی کردند. ۴۳

سرانجام سپاهیان خوارزم - که بیماری در میانشان شایع شد - ناچار به خیوه باز گشتند اما میراحمد خان جمشیدی را در قریاب (شش فرسنگی مرو) برای ادامه حملات باقی گذاشتند. با ادامه محاصره و فشار قحطی و بیماری در مرو، ریش سفیدان مروی - که قبلاً نسبت به نیروهای قاجاری راه خیانت را در پیش گرفته بودند - به نزد حسام السلطنه ۴۴ حاکم خراسان رفتند و تقاضای یاری کردند. حسام السلطنه هم اسماعیل خان میرینجه (برادر عباس قلی خان) را در رأس نیروها عازم مرو کرد. او در ابتدا به پیروزیهایی در برابر سپاهیان از یک دست یافت و میراحمد خان جمشیدی را مجبور به عقب نشینی کرده اما به دلیل کارشکنی که در پی جایگزینی فریدون میرزا فرمانفرما به جای حسام السلطنه در خراسان علیه او صورت گرفت، تا چند ماه پس از تصرف مرو، آذوقه و نیروی کمکی دریافت نکرد. در نتیجه با شورش فرماندهان و سربازان خود در مرو روبرو شد و بناچار با پولی که هنگام حرکت از اعیان خراسان قرض کرده بود، موقتاً این حرکتها را خطراً فرین را مهار کرد. اما با گذشت زمان و نرسیدن کمک از خراسان و پایتخت، بیش تر نیروهایش ترک خدمت می کردند و نیروهای متمرد توپخانه را هم با خود بردند. سرانجام اسماعیل خان و اندک نیروهای باقیمانده اش به دست ازبکان اسیر شدند. وی پس از گذشت ده سال اسارت در خیوه، به تهران بازگشت و سرگذشت اسفبار خود را در کتاب خاطرات اسارت درج کرد. ۴۶

نبرد ۱۲۷۱

(برخورد نظامی دولت قاجار با خان خیوه در سرخس)

در سال ۱۲۷۱ق. محمدامین خان والی خوارزم، براساس قوانین مذهبی ترکستان، از ترکمنان سرخس زکات خواست ولی آنان، فرستاده او را کشتند. از این رو خان خیوه همراه با نیروهای حاکم "میمند" برای تنبیه آنان حرکت کرد. ازبکان مناطق دیگر هم به این سپاه پیوستند و در نزدیکی مرو موقتاً اردو زدند. اهالی سرخس از حاکم خراسان تقاضای کمک کردند. فرمانفرما، حسن خان سبزواری را با چهار صد نفر به سوی سرخس فرستاد؛ ولی قبل از رسیدن سپاه



اصلی خراسان، حسن خان به کمک اهالی به نبرد با ازبکان پرداخت و با رسیدن نیروهای کمکی، مهاجمان را شکست داد و محمدامین خان ازبک و چهارده نفر از بزرگان از جمله پسر خان میمند کشته شدند و سرهای بریده آنها به نزد ناصرالدین شاه فرستاده شد. ولی شاه دستور داد سر محمدامین خان در نزدیک دروازه دولت پس از غسل و کفن، دفن شود و بقعه‌ای بر روی آن بنا نمایند. ۴۷ نکته قابل توجه در شکست خان خویه، مفید واقع شدن اطلاعات نظامی رضاقلی خان هدایت از توپخانه و نیروهای پیاده خان ازبک بود. ۴۸ پس از این نبرد، فریدون میرزا جهت ایجاد نظم به طرف مرو حرکت نمود و در حالی که پانصد سوار از تراکمه سرخس در رکاب او بودند، طویف ساروق را وادار به اطاعت از حکومت خراسان کرد. ۴۹

برخورد نظامی دولت قاجار با ترکمنها یا جنگ مرو (۱۲۷۷ق./ ۱۸۶۰م.)

پس از نبردهای کم اهمیت ۱۲۷۵ و ۱۲۷۲، مهم ترین برخورد نظامی دولت قاجار و ترکمنها در ۱۲۷۷ به وقوع پیوست و تأثیر بسیار زیادی بر موقعیت ارتش قاجار در منطقه گذاشت که با استفاده از حقائق الاخبار ناصری و مقاله شرح وقایع جنگ مرو به بررسی آن می پردازیم. ۵۰ دولت قاجار پس از تصرف مرو به دست تراکمه، با اعزام سپاهی مرکب از شصت هزار نفر، ۲۷ عراده توپ و خمپاره به فرماندهی حمزه میرزا حشمت الدوله و قوام الدوله، طلایه داران سپاه، از مشهد به مرو حرکت کرد و پس از دادن تلفات و تحمیل مشقاتی به نزدیکی مرو رسید. ۵۱ در ۲۸ ذی الحجة ۱۲۷۶ سپاه قاجار وارد قلعه شهر شد و ترکمنها از آنجا متواری شدند و به سوی ایل خود فراگرختند. ۵۲ نیروهای قاجاری هم پس از اقامت در شهر، دچار کمبود آذوقه شدند. آنان پس از مصرف گوشت گوسفندان با خوردن گوشت شتر و بروز مرض اسهال در لشکر، دچار ضعف عمومی گردیدند. از طرفی سپاه، در چنین شرایط به وقت گذرانی و در ماه محرم نیز با برگزاری مجالس، به عزاداری پرداختند. در حالی که ترکمنها با تقاضای کمک از قبایل اطراف، قوای خود را بازسازی کردند. ۵۳

چون طایفه سالور با تراکمه تکه در جریان عملیات همدست بود، حشمت الدوله شش هزار سرباز پیاده، ده هزار سواره و چند عراده توپ برای تشبیه آنان به یورت طایفه (یل آتن) اعزام کرد که در جریان نبرد، فرمانده شجاع سواره چاردونی (جعفر قلی خان) کشته شد ولی در نهایت، طایفه سالوار صلح کردند و گروگان دادند. ۵۴

سپاهیان قاجار در ۲۷ صفر ۱۲۷۷ با تعقیب عوامل اصلی (تراکمه تکه)، به محل اسکان آنان در "بسمندوک" و "خان گچن" حمله کردند. در این هنگام ریش سفیدان تصمیم به اطاعت از دولت گرفته و حاضر به فرستادن گروگان شدند ولی با این تقاضا که ولایت مرو را - که از قدیم محل زندگی ایل تکه بود - به آنها واگذار نمایند تا به کشت و کار در آنجا پردازند. اما حشمت الدوله نپذیرفت و دستور داد باتلاقیهای اطراف را بر کنند و برای رعب و وحشت با توپخانه به محل اسکان خانوارهای تکه حمله کنند که عده‌ای کشته می شوند. متقابلاً ترکمنان تکه با استقرار در بلندیها و با استفاده از توپهایی که از خان خویه غنیمت گرفته بودند، به آتشباران ایرانیها پاسخ داده، به عملیات پارتیزانی علیه آنها پرداختند، به گونه‌ای که از روز دوم ربیع الاول که سپاهیان قاجار برای تصرف "جیران تپه" حرکت کردند، به کمین ترکمنها افتادند و یکی از سرداران

خود را به نام "محمدحسن خان" همراه با صد نفر از دست دادند که تأثیر روانی بدی بر سپاه قاجار گذاشت و متقابلاً ترکمنها جری شدند و حتی پس از آتشباران شدید توپخانه بر سرشان، حملات خود را افزایش دادند و پس از ۱۲ ساعت نزدیک به هزار نفر از دو طرف کشته شدند. پس از مدتی کمبود علوفه، حشمت الدوله دسته‌های زبده‌ای برای به دست آوردن علوفه اعزام می کند ولی با کمین ترکمنها روبرو می شوند. لذا کم کم ترس بر سپاهش مستولی می شود و تصمیم به عقب نشینی می گیرد. زمینهای باتلاقی و نیزار و بی دقتی در نقشه فرار، تلفات سنگینی در زمینه نیرو و تجهیزات بر او وارد می کند. عقب نشینی به طرف "پنجه" به نتیجه نمی رسد چرا که آذوقه این ناحیه را ترکمنها از بین برده بودند. از این رو سپاه حشمت الدوله با تقریباً یک سوم نیروهای باقیمانده و در حالی که قسمت اعظم تجهیزات خود را از دست داده بود، از طریق تربت جام به مشهد می گریزد. ۵۵

خورموجی این شکست سنگین را چنین توجیه کرده است: "معلوم آمد که کارها در قبضه قدرت قادر قدیر است و محکوم حکم تقدیر. اگر چه وقوع سانحه، خسارتی تمام به لشکر اسلام آورد ولی "لیس اول قاروه کسرفی الاسلام". اولین بار نیست که ضربه به سران مسلمان وارد می شود. معامله سلطان مسعود و امرای غزنویان با تراکمه سلجوقی در همین صحاری سرخس و مرو خراسان روی داد. ۵۶ ولی اگر علت‌های اصلی این شکست بررسی شود، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ضعف فرماندهی شاهزاده حشمت الدوله و وزیر او قوام الدوله و نالایق بودن بیش تر افسران سپاه و بی اطلاع بودن آنها از امور نظامی (تک و پاتک و نقشه‌های جنگی).

۴- از بین رفتن وجهه ارتش ایران در منطقه، یکی از مهم ترین نتایج منفی این نبرد بود.

وامبری، سه سال بعد از این واقعه به این نکته اشاره کرده که وقتی ارتش دهها هزار نفری ایران از پنج هزار ترکمن شکست خورد، برتری آنان بر ارتش قاجار در منطقه ثابت شد. ۶۵

۵- بعد از این شکست، ترکمنها جرئت و جسارت بیش تری یافتند و به افزایش حملات خود پرداختند. آنان در روز روشن شهرهایی مانند استرآباد را مورد حمله قرار دادند. ۶۶ در این شهر حتی کنسول روس هم از ترس ترکمنها احساس امنیت نمی کرد. ۶۷ آنها در شهر اشرف به غارت گوسفند و اموال مردم و اسیر کردن دختران و زنان دست می زدند و روستائیان را وادار به دادن باج می کردند. ۶۸

در اواخر شوال ۱۲۷۷ق. سیصد نفر از ترکمنها به اطراف خواف حمله کردند که سپاهیان جامی، خرزئی و شاهسون آنها را شکست دادند و صد و پنجاه نفر از مهاجمان را اسیر کردند. ۶۹ همچنین در ۱۲۷۸ طوایف ساروق و سالور به جام حمله ور شدند و به غارت کردن و اسیر کردن مردم پرداختند. سرانجام به دستور حسام السلطنه حاکم وقت خراسان، اسکندر خان سرتیپ فوج مراغه به تعقیب آنها پرداخته، اسرار آزاد و اموال را مسترد کرد.

در همین سال ترکمنهای عشق آباد و آخال به حومه قوچان حمله کردند. همچنین دو هزار نفر از آنها به فرماندهی "سعد و محمد شیخ" به زاوه و فریمان هجوم آورد که سپاهیان حسام السلطنه آنها را تار و مار کردند. ۷۰ پس از احضار حسام السلطنه در سال ۱۲۷۹ق. به تهران، مجدداً ترکمنها جسارت یافتند و به اطراف مشهد تاختند ولی از سپاه امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو شکست خوردند. ۷۱

این حملات بی دریی، موجب گسترش جو ترس و وحشت در بین مردم و سربازان شده بود؛ به طوری که در منطقه خراسان و استرآباد، آنها برای تسکین آلام خود به مصرف تریاک و حشیش روی آوردند. به طوری که این مواد افیونی در بین زنان نیز رواج یافته بود. ۷۲

این جو هول و هراس، نه تنها در مناطق شمال شرق بلکه به پایتخت هم سرایت کرده بود؛ چرا که پس از شکست سپاهیان قاجار در جنگ مرو، نگهبانان، دروازه های تهران را زودتر از همیشه می بستند ۷۳ و خندق اطراف شهر را عمیق تر کردند. ۷۴

۶- یکی دیگر از نتایج مهم این شکست، قحطی و گرسنگی بود. قیمت خواربار و بخصوص نان افزایش یافت. نان به حدی گران شد که هر من نان به بیش از ۲۰ شاهی می رسید. مردم دچار قحطی و حشنتاکی شده و دسته دسته از گرسنگی و در پی آن از مرض وبامی مردند. ۷۵ سرانجام زنان جلو کالسکه شاه را گرفتند و از او خواستند که به امور نان رسیدگی کند. به دنبال این جریان، ناصرالدین شاه فرمان قتل کلانتر تهران را صادر کرد و برخی از عاملان خرده پای گرانی را با بریدن گوش و بینی و زبان، مجازات نمود تا نان به یک من ۱۶ شاهی رسید. ۷۶

۷- تنها نکته مثبت شکست ایران در جنگ مرو؛ پس از این شکست مصیبت بار - که یکی از علت های اصلی آن استفاده از اسلحه های کهنه و قدیمی بود - ناصرالدین شاه دستور داد یک کارخانه تفنگ سازی در تهران تحت سرپرستی یک فرانسوی تأسیس گردد. لازم به ذکر است قبل از این اقدام، کامران میرزا نایب السلطنه، چون واسطه خرید اسلحه از کشورهای خارجی بود و از این

۲- جدا شدن "دره مرغاب" از خاک خراسان پس از عهدنامه پاریس که مهم ترین راه برای رسیدن به مرو بود، و از این رو سپاه ایران بناچار از سوی سرخس - که بسیار ناهموار و بی آب و علف بود - حرکت کرد. ۵۷

۳- تغییر یافتن مسیر رود تجن به دست ترکمنها و باتلاقی کردن راه عبور سپاهیان قاجار و یورش بردن به آنها در باتلاقیهای کذائی. ۵۸

۴- نبود فرماندهان لایق و تجهیزات روزآمد در سپاه ایران به رغم شجاعانه جنگیدن سربازان ایرانی؛ به گونه ای که بیش تر اسلحه های آنها کهنه و قدیمی و مربوط به سالهای ۱۸۱۵-۱۸۱۴ فرانسه بود ۵۹ و در مقابل، مسلح بودن ترکمنها به سلاح های نو و جدید که احتمال دارد روسها به آنان داده بوده باشند ۶۰!

۵- کمبود توشه و علوفه در سپاه قاجار از همان ابتدای ورود به مرو و کمبود مهمات پس از شکست نهایی در مقابل تراکمه تکه، که این مسئله به افزایش تلفات انجامید.

بر این علتها، می توان سستی و کند رفتاری سپاه قاجار را در مرو افزود که در محرم ۱۲۷۷، فرصت خوبی به سازماندهی دشمن داد و خود دچار کمبود بیش تری در زمینه آذوقه و علوفه گردید.

نتایج شکست ۱۲۷۷ق. / ۱۸۶۰م.

۱- جنگ مرو منجر به کشته شدن و اسارت عده زیادی از سپاه ایرانی قاجار گردید. از سپاه شصت هزار نفری، عده قلیلی نزدیک به پانزده هزار نفر باقیمانند و از ۲۷ عراده توپ، چهار عراده بازگردانده شد. افراد باقیمانده هم در مسیر به دام پانصد ترکمن ساروقی افتادند که با وعده و وعید آنها را راضی کردند تا به سپاه حمله نکنند و در ازای دریافت پول فراوان به آنها آذوقه بدهند.

سرانجام هنگام بازگشت روز چهارشنبه ۲۴ ربیع الاول، سربازی در اردوی "بازار" با یک نفر ترکمن ساروق بر سر بهای خربزه نزاع می کند. سرباز دست به اسلحه و ترکمنها هم دست به شمشیر می برند که سرباز فریاد می زند: "های ترکمن گلدی". سپاهیان قاجار، ناگهان از ترس پا به فرار گذاشته و در مسیر هم ۲۵۰۰ نفر اسیر داده و اموال و قورخانه سپاه را جا گذاشتند. در راه بازگشت سپاهیان بناچار به خوردن گوشت خوک و علف پرداختند و نزدیک به دویست نفر مردند تا اینکه به مشهد رسیدند. ۶۱

۲- شکست سپاه ایران از ترکمنها که موجب اسارت عده زیادی از افسران و سربازان ایرانی شد. ۶۲

۳- ترکمنها، برای آزادی اسرا مبلغ هنگفتی به عنوان خونیها دریافت کردند از آن جمله برای آزادی یک عکاس فرانسوی که جزو اسرا بود، تقاضای دو هزار تومان کردند و سرانجام سفارت فرانسه با دادن صد هزار فرانک به صاحب او - که قصابی از اهالی خیره بود - وی را آزاد نمود. ۶۳ حسین قلی خان نظام در این زمینه نوشته است:

"صاحب منصبانی که در رکاب حمزه میرزا حشمت الدوله اسیر شده بودند یا افواج، هر کسی که بضاعتی داشت، از خانه خودشان پولی تهیه کرده و به خراسان فرستادند و به توسط حاج میرزا حسنعلی وزیر آستانه (قدس رضوی) از ترکمانان خریداری شدند و هر که پول نداشت، از میرزا حسنعلی قرض می کرد. برای یوسف خان افشار ارومیه ای آفتدر پول فرستادند که هم فوج افشار و هم خودش را خرید. مصطفی خان برادر سپهسالار میرزا محمد خان وزیر جنگ با پشوش اسیر بودند. خودش را شش هزار تومان حاج میرزا حسنعلی خرید ولی پسرش ماند و مرد. ۶۴"

را در خیوه و بخارا به طور قاطعانه منع نکردند تا همچنان ناامنی در مناطق شمالی ایران ادامه یابد. ۸۹ سال ۱۲۹۲ ترکمانان در طزن، چه چه، سبزینه و پشتکوه تاخت و تاز کردند. ۹۰

سرانجام میرزا سعیدخان مؤتمن الملک انصاری وزیر خارجه با نمایندگی روسیه وزیر مختار در محرم ۱۲۹۹ عهدنامه آخال را امضا کرد که براساس آن، ۳۴ قریه و آبادی از شمال شرق ایران به خاک روسیه منضم گردید. ۹۱ و در تهران هم به افسران و کارمندان روسی که در جریان انعقاد قرارداد آخال بودند، به دستور ناصرالدین شاه نشانهای دولتی داده شد. ۹۲ با اینکه در این قرارداد روسها تعهداتی در قبال حمله تراکمه داشتند، ولی حملات آنان به درگز، کلات و قوچان ادامه داشت و در طی آن اغنام و احتشام زیادی به غارت می رفت و عده زیادی از زنان و دختران مرزنشینان به اسارت برده می شدند. ۹۳

حتی در اواخر دوران قاجار پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه هم یکی از رهبران ترکمن به نام عثمان آخون - که در اثر حملات روسهای سرخ از ترکمنستان فراری شده بود - به ترکمن صحرای ایران آمد تا به ایجاد جمهوری در استرآباد بپردازد که به دست نیروهای رضاخان سرکوب گردید. ۹۴

ی نوشتها:

- ۱- هنری موزر: سفر به ترکستان و ایران، علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، انتشارات سحر، چاپ اول، تهران ۲۵۳۶، صص ۲۱۰-۲۰۴.
- ۲- سفر به ترکستان و ایران: صص ۱۶۷-۱۵۳.
- ۳- سه شهر خیوه، بخارا و خوقند، همراه با شهرهای سمرقند، تاشکند و ترمذ، در حال حاضر جزو خاک ازبکستان است. (کتاب ازبکستان، وزارت خارجه، صص ۴۸-۴۵)
- ۴- سرهنگ اسماعیل میربنجه: خاطرات اسارت، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰، صص ۱۲۲.
- ۵- گو گلاها، خود را از نسل اغوزخان می دانستند و می گفتند دوازده گروه گولانها از دو فرزند اغوز خان پدید آمده اند.
- ۶- یموتها، خود را از نسل یموت فرزند قلمی فرزند بوری، فرزند اغور جیک می دانستند، یموت، دارای سه پسر به نامهای قتلی تمور (جد مشترک یموت گوگان) و نلی تمور (جد مشترک خیوه) و اوساق بود.
- ۷- تکه ها (تکه های خیوه و تکه های آخال که پس از عهدنامه آخال به ایران مهاجرت کردند) خود را از نسل تکه ابو که فرزند قره السلام فرزند بو قاخوزند اغور جیک می دانستند.
- ۸- ساریق، پنج گو و هند که در خارج ایران و از نسل ساریق برادر تکه بوده اند.
- ۹- سالورها، این دسته از ترکمنها خود را از نسل سالور فرزند آق خان فرزند بو قاخوزند اغور جیک می دانند که اکنون در ترکمنستان و خراسان سکونت دارند.
- ۱۰- آرساریها، خود را از نسل ساری فرزند قل حاجی برادر قلمی پدر یموت می دانند که به چند طایفه تقسیم می شوند و در حال حاضر در ترکمنستان ساکن هستند.
- ۱۱- دکتر محمد شریف کمالی و دکتر اصغر عسگری: ایرانیان ترکمن (پژوهشی در مردم شناسی و جمعیت شناسی)، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴، صص ۶۷-۵۸
- ۱۲- ملکوئوف: سفرنامه ایران و روسیه، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۶۳، صص ۲۰۴-۱۹۹.
- ۱۳- رضاقلی هدایت، سفارنامه خوارزم، به کوشش علی حصوری، انتشارات طهوری، چاپ اول، تهران ۱۳۵۶، صص ۶۴-۵۸
- ۱۴- همان، صص ۵۴
- ۱۵- آرمینوس وامبری: سیاحت در ویش دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجی نوریان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۴، صص ۲۵۹.
- ۱۶- سفارنامه خوارزم: صص ۶۶
- ۱۷- محمد جعفر خورموجی: حقائق الاخبار (تاریخ قاجار)، به کوشش سید حسین خدیو جم، انتشارات ی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۴، صص ۱۴۶.
- ۱۸- سفارنامه خوارزم: صص ۳۶-۲۵.
- ۱۹- سفرنامه ایران و روسیه، ملکوئوف، صص ۱۲۴-۱۲۰.
- ۲۰- سفارنامه خوارزم، صص ۱۲۸-۱۱۸.

طریق منافعی به جیب می زد، از احداث این کارخانه جلوگیری می کرد. در این کارخانه، کارگران ایرانی توانستند تفنگهایی با دقت و ظرافت اسلحه های خارجی بسازند. ۷۷ بعدها کارخانه فشنگ سازی هم به آن اضافه گردید. ۷۸

سرانجام سران سپاه

شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدوله و میرزا محمد قوام الدوله، از امارت و وزارت خراسان معزول و به تهران احضار گردیدند و حسام السلطنه از فارس احضار شد و به حکومت خراسان رسید. ۷۹

حشمت الدوله و قوام الدوله در دادگاه نظامی محاکمه شدند. آنان با ذکر این جمله که "ما خواستیم ولی خدا نخواست"، بی کفایتی خود را به گردن قضا و قدر الهی گذاشته و از مرگ نجات یافتند؛ اما به ترتیب به سیصد هزار و صد و سی هزار سکه طلا جریمه محکوم شدند. ۸۰ ولی پس از مدتی بخشوده شدند؛ حمزه میرزا حاکم یزد شد و به میرزا محمد قوام الدوله، اتابگی و وزارت اصفهان داده شد. ۸۱ چندی بعد در سال ۱۲۸۹ق. ناصرالدین شاه سپاه دیگری به فرماندهی حشمت الدوله برای سرکوب ترکمانان اعزام کرد. ۸۲

اسیران ایرانی در خانات آسیای میانه

بی کفایتی دولت قاجار و بخصوص حاکمان خراسان، موجب اسیر شدن عده زیادی از ایرانیان به دست ترکمنها گردیدند که به عنوان برده در بازارهای خانات فروخته می شدند و در حالی که از محل زندگی خود دور افتاده بودند، گاهی در غربت از دنیا می رفتند. رضاقلی خان هدایت در خوارزم (۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۱م.) با اسیرانی برخورد کرد که سه سال تا پنجاه سال رنج اسارت کشیده و چشم به اقدامات دولت قاجار داشتند تا آنها را رها کند. ۸۳

رفتار ترکمنها با این اسرا بسیار دردناک بود. با این افراد از همان ابتدای اسارت، مانند حیوان برخورد می شد. اسیر را به دم اسب گره می زدند و با این حالت چند ساعت حتی چند روز متوالی می تاختند تا به جای خلوتی برسند تا از تعقیب نیروهای دولتی در امان باشند و معمولاً اگر کسی نمی توانست پایه پای سوار حرکت کند، کشته می شد. ۸۴ تازه پس از رسیدن به مقصد، دوران زندگی و حشمتاک اسیر آغاز می شد. مهاجم فوری لباسهای او را با چند تکه کهنه پاره ترکمنی - که بسختی قسمتی از بدنش را می پوشاند - عوض می کرد. پاهایش را در زنجیر قرار می دادند تا در هر قدمی که برمی داشت در میچهای مجروحش احساس درد کند. در روزهای اول و حتی هفته های اول اسارت، او را در هنگام شب حلقه آهنی در گردن می انداختند و به میخ طویله ای متصل می ساختند. این اقدامات و حشمتانه ادامه می یافت تا در بازار برده فروشی خیوه و بخارا به فروش رود یا خونبهایش پرداخت گردد. ۸۵

قیمت این بردگان بیچاره هم به پیشامدهای سیاسی و موقعیت ترکمنها بستگی داشت. وامبری هنگام عبور از بخارا نوشته است، حداکثر قیمت یک مرد بالغ کامل بین چهل تا پنجاه تیلا (۸۰۰-۵۰۰ فرانک) بود. ۸۶ و گاهی از این هم پایین تر می آمد. پس از شکست ۱۲۷۷ق. به دلیل به اسارت درآمدن عده زیادی از سربازان ایرانی، بازارهای برده فروشی خیوه و بخارا از رونق افتاد. به طوری که یک برده سالم تا چهار تیلا (پنجاه فرانک) خریداری می شد. ۸۷

با اعزام سربازان روس از طریق دریا و تسلط آنها در خانات، ۸۸ مردم ایران انتظار داشتند که اسرای آنان آزاد گردند و حملات ترکمنها خاتمه یابد. ولی باتوجه به اینکه روسها منافع بیش تری در خاک ایران مدنظر داشتند، برده داری

- ۲۱- سفرنامه ایران و روسیه، صص ۱۳۲-۱۲۴.
- ۲۲- سند شماره ۴ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، گزارش به شاه در خصوص بی نظمی خراسان، شماره سند ۲۹۵۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷ ب ۱۲، شماره فیش ۰۰۵۰۴۱۳، تاریخ ۱۲۹۲.
- ۲۳- سفر به ترکستان و ایران، موزر، صص ۲۰۹-۱۹۱.
- ۲۴- ژنرال سوپرسی سلیکس: سفرنامه سرپرسی سلیکس یاده هزار میل در ایران، حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۶، صص ۲۳-۲۱.
- ۲۵- سند شماره ۲ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اهدای نشان همایونی به خدمتگزاران روس در عهدنامه آخاله، شماره سند ۲۹۶۰۰۳۱۸۶، محل آرشیو ۱۱۲ ب ۱۱، شماره فیش ۰۰۰۶۰۰۲۲، تاریخ سند ۱۲۹۹.
- ۲۶- سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه، صص ۵۳۰-۵۲۹.
- ۲۷- سفارتنامه خوارزم، صص ۴۸-۴۱.
- ۲۸- سفرنامه ایران و روسیه، ملکوئوف، صص ۹۲-۸۳.
- ۲۹- همان، صص ۱۹۹-۱۹۵.
- ۳۰- پاشنو: سفرنامه ترکستان (ماوراءالنهر)، ترجمه مازروس داوودخانف، به کوشش جمشید کیانفر، مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۳۱- سیدعلی میرنیا، وقایع خاور ایران در دوره قاجار، انتشارات پارسا، چاپ اول، تهران ۱۳۶۷، صص ۱۱۶-۱۱۲.
- ۳۲- کلل سی. ام. مک کرگر: شرح سفری به ایالت خراسان، مترجم مجید مهدیزاده، انتشارات معاونت آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶، ص ۲۴۱.
- ۳۳- و. بار تولد، تذکره جغرافیایی تاریخی، ترجمه حمزه سردادور (طالبزاده)، انتشارات توس، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۱۱.
- ۳۴- سفر به ترکستان و ایران، موزر، صص ۱۹۴-۱۹۲.
- ۳۵- همان، ص ۲۲۱.
- ۳۶- سفرنامه ایران و روسیه، ملکوئوف، ص ۲۱۰.
- ۳۷- همان، ص ۱۴۶.
- ۳۸- همان، صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۳۹- همان، ص ۲۹۸.
- ۴۰- وقایع خاور ایران در دوره قاجار، صص ۱۲۰-۱۱۲ و سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷ ب ۱۲، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۴۱- هینرش بروکش: سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردبچه، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران ۱۳۶۷، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.
- ۴۲- شرح سفری به ایالت خراسان، مک کرگر، صص ۲۴۰-۲۳۹.
- ۴۳- سفارتنامه خوارزم، صص ۱۴۲-۱۳۹.
- ۴۴- سلطان مراد میرزا حسام السلطنه پسر سیزدهم عباس میرزا متولد ۱۲۳۳ق. که به دستور امیر کبیر در سال ۱۲۶۵/۱۸۵۷م حکومت خراسان منصوب شد. او با تصرف مشهد و اعدام حسن خان سالار، در خراسان مستقر گردید ولی در سال ۱۲۷۰ق. حکومت خراسان به فریدون میرزا، برادر اعیانی او محول گردید و پس از فوت او، مجدداً احسام السلطنه حکومت خراسان را به دست گرفت. او، جزو همراهان ناصرالدین شاه در سفر به اروپا بود و سرانجام در ۱۸۹۹م فوت کرد. (فرهنگ رجال قاجار، چرچیل، غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول، صص ۲۶۰-۲۶۳).
- ۴۵- حقائق الاخبار: ص ۱۲۲.
- ۴۶- خاطرات اسارت: صص ۸۰-۶۲.
- ۴۷- حقائق الاخبار: صص ۱۴۶-۱۴۴.
- ۴۸- سفارتنامه خوارزم، ص ۱۱۵.
- ۴۹- حقائق الاخبار: ص ۱۴۶.
- ۵۰- تاریخچه جنگ مرو (گزارش محمدعلی حسینی وقایع نگار قشون خراسان) برر سیهای تاریخی، سرهنگ خنجی شهیدی، سال ششم، شماره یک (صص ۶۴-۳۳) و شماره دو (صص ۵۴-۲۱).
- ۵۱- وقایع خاور ایران: ص ۹۳.
- ۵۲- حقائق الاخبار: ص ۲۵۹.
- ۵۳- وقایع خاور ایران: ص ۹۴.
- ۵۴- حقائق الاخبار: صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۵۵- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: صص ۱۰۶-۹۵.
- ۵۶- حقائق الاخبار: ص ۲۶۳.
- ۵۷- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: ص ۹۲.
- ۵۸- همان، ص ۹۴.
- ۵۹- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۳۴.
- ۶۰- همان: ص ۵۶۴.
- ۶۱- وقایع خاور ایران در دوره قاجار: صص ۱۰۹-۱۰۶.
- ۶۲- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۰۹.
- ۶۳- همان: ص ۵۲۷.
- ۶۴- حسینقلی خان نظام السلطنه مافی: خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش مریم مافی، انتشارات تاریخ ایران، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، ص ۳۴.
- ۶۵- سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه: ص ۴۰۶.
- ۶۶- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۰۹، سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷ ب ۱۲، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۶۷- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۶۹۱.
- ۶۸- همان: ص ۷۰۱.
- ۶۹- حقائق الاخبار: ص ۲۶۴.
- ۷۰- همان: صص ۲۸۱-۲۸۰.
- ۷۱- همان: صص ۲۹۹-۲۹۸، سند شماره ۴ به شماره ثبتی ۲۹۰۰۳۷۰، محل آرشیو ۲۱۷ ب ۱۲، تاریخ سند ۱۲۹۲.
- ۷۲- سفر به ترکستان و ایران: ص ۲۲۵.
- ۷۳- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۳۴.
- ۷۴- سند شماره ۲، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نامه صدر اعظم به شاه در خصوص حفر خندق تهران، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۵۹۹، محل آرشیو ۱۶۹۷ ب ۱۲، شماره فیش ۰۰۰۴۰۲۹۴، تاریخ سند ۱۲۸۹ق.
- ۷۵- سفری به دربار سلطان صاحبقران: ص ۵۲۷.
- ۷۶- همان: صص ۶۰۷-۶۰۰.
- ۷۷- همان: ص ۵۶۳.
- ۷۸- سفر به ترکستان و ایران: موزر، ص ۲۵۷.
- ۷۹- حقائق الاخبار: ص ۲۶۴.
- ۸۰- سفری به دربار سلطان صاحبقران: صص ۵۸۷-۵۸۶.
- ۸۱- حقائق الاخبار: ص ۲۸۵.
- ۸۲- سند شماره ۳، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دستخط شاه در مورد جمع آوری قشون به سرکردگی حشمت الدوله جهت سرکوب ترکمانان، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۹۷۹، محل آرشیو ۲۸۱ ب ۱۲، شماره فیش ۰۰۰۴۰۷۷۴، تاریخ سند ۱۲۸۹ق.
- ۸۳- سفارتنامه خوارزم: صص ۵۵ و ۵۶.
- ۸۴- سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه: ص ۴۰۶.
- ۸۵- همان: ص ۸۵.
- ۸۶- همان: ص ۲۶۰.
- ۸۷- سفرنامه ژنرال سرپرسی سلیکس یاده هزار میل در ایران: ص ۸۸.
- ۸۸- سند شماره ۶ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تلگراف از خراسان، آمدن سربازان روس، به شماره ثبتی ۲۹۵۰۰۲۷۷۸، محل آرشیو ۱۸۷۸ ب ۱۲، شماره فیش ۰۰۰۴۰۵۷۳، تاریخ سند ۱۲۹۷ق.
- ۸۹- شرح سفری به ایالت خراسان: مک کرگر، ص ۲۴۱.
- ۹۰- سند شماره ۵، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، لزوم تقویت قشون و اعزام نیرو، شماره ثبتی سند ۲۹۵۰۰۲۸۱۶، محل آرشیو ۱۱۷ ب ۱۲، شماره فیش ۰۰۰۴۰۶۱۱، تاریخ سند ۱۲۹۷ق.
- ۹۱- وقایع خاور ایران در دوره قاجار، ص ۱۲۷.
- ۹۲- سند شماره ۱، شماره ثبتی سند ۲۹۶۰۰۳۱۸۶، محل آرشیو ۸۱۲ ب ۱۲.
- ۹۳- وقایع خاور ایران در دوره قاجار، ص ۱۳۹.
- ۹۴- ایرانیان ترکمن (پژوهشی در مردم شناسی و جمعیت شناسی)، صص ۵۶-۵۵.

بزرگوار صاحب زبیر شاد در سن پنجاه و یک سالگی در روز شنبه هجری ۱۱۱۹
در شهرت اوس با این شایسته رودخانه قنبر رسیده تاریخ نوبت ظهور در سن ۱۱۱۹

در حق صاحبان وزارت خارجه دولت روسی در حق

درجه اول	درجه دوم
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی

درجه سوم	درجه چهارم
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی

در حق صاحبان وزارت دروزن کوبا و در خاک دولت بجا در سن پنجاه و یک سالگی

درجه پنجم	درجه ششم
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی
قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی	قائم مقام وزارت خارجه دولت روسی

درجه هفتم

در حق صاحبان وزارت خارجه دولت روسی در سن پنجاه و یک سالگی



Handwritten signature or initials in Persian script.

Handwritten notes or a separate document in Persian script, written vertically on the right side of the page.

قوسه انچه برود در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 حاصله و انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 قوسه انچه منتهى به سره انچه در سال اوليه در جود
 قوسه و انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 سره و انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه

فایده انچه در سال اوليه در جود
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه
 انچه در سال اوليه در جود از افسوس و انچه

نقصه و قایل بود که هر چه از دستش می‌رفت
 اندر دستش می‌گذاشت و در هر وقت که
 سرافکار خیزد در باب سب و افتادگی و
 مگر گانه باین صیانت صلاح در راهش بود
 حقیقت الهیات ایستادگی در راهش بود
 و این است که در هر وقت که از راهش
 لغایت کلیه ترکها می‌گردد در هر وقت
 از حالت استراحت او چشمه است که در هر
 خلاصان به جبهه است که با هم در هر
 عا الهی که از نظم علیه فریضه که در هر
 حال لطیف است که در هر حال که از راهش
 نماند و نه در هر وقت که در هر حال که از راهش
 حال لطیف است که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 و این هم در هر وقت که در هر حال که از راهش

که این لطیفان از رفیق است و این است
 تا شرفی بود در هر وقت که در هر حال که از راهش
 همیشه در هر وقت که در هر حال که از راهش
 اختراعی که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 فاضل است که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 ترکان در هر وقت که در هر حال که از راهش
 چنانچه در هر وقت که در هر حال که از راهش
 سر راهش در هر وقت که در هر حال که از راهش
 از هر طرف که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 و الزام به هر وقت که در هر حال که از راهش
 بنظم طبع او در هر وقت که در هر حال که از راهش
 که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 خود را که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 از هر طرف که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 بر هر حال که در هر وقت که در هر حال که از راهش
 که در هر وقت که در هر حال که از راهش

از هر طرف که در هر وقت که در هر حال که از راهش



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

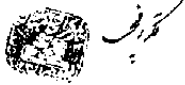
مرکز اسناد و کتابخانه ملی

تهران، شهر

از شعبه ...

نوع	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب		اطلاعات
		روز	ساعت	

موضوع این سند ...
 این سند ...
 در تاریخ ...
 در ساعت ...
 در روز ...
 در شهر ...
 در استان ...
 در کشور ...



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 تهران، شهر ...
 شماره ...
 تاریخ ...
 ساعت ...
 دقیقه ...



اداره کتابخانه و اسناد ملی ایران

مرکز: دارالحکومت

تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۴

اذ: در خواست با عنوان

موضوع	عنوان کتاب	تاریخ اصداد طلب		املاخان
		ساعت	دقیقه	

جواب یکی چهارم کتابی بدک سیدنا روی فاسد سیدنا در بیان خردار نیست چندی قبل که ثبت در مجموعها آمد رسید در است
 نیست مطلق بود و این فرج اول است سوره اول است در سیدنا بود و بعد نقلی شد و بعد اول اگر اینها با هم در کتاب
 سوره اول غلامان را که خوانده بودیم در روزها در سوره اول که سیدنا خوانده بودیم و روز بعد فرستاد و در کتاب سیدنا
 در کتاب حرف نیست بجهل از دست نه در این کتاب اولی خوانده شد و بعد در این کتاب در دست خوانده شد و بعد در این کتاب
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست
 در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست در این کتاب حرف نیست

تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۴	تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۴
ساعت: ۱۲	ساعت: ۱۲
دقیقه: ۱۲	دقیقه: ۱۲



انبار اسناد ملی وزارت عالیته ایران

مرکز

شماره ۱۲۹

شهر

تاریخ

انبار شماره

نوع	ملاحظات	تاریخ اسناد طلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
					۲

در خصوص اسنادی که در روز ۱۲۹۰ در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است
 خود به نام اسنادی که در روز ۱۲۹۰ در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است
 روزی در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است
 این اسناد در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است
 و در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است
 که در روز ۱۲۹۰ در دسترس است و در نظر طبعی این اسناد روزی در کل و در کل اسنادی که در دسترس است



تاریخ	شهر	مرکز	ساعت	دقیقه	انبار شماره	اسناد طلب
						۲۰۱۲